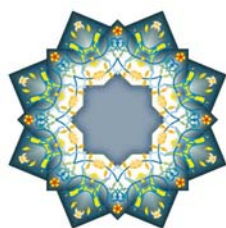


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آرشيو تير ماه ۸۶

عنوان : باهليت عصر ما

نوشته شده توسط هما



شنبه ۱۶ تیر ۱۳۸۶

بسم الله النور

مطلب امروز را که در واقع مقدمه ای است بر مطالب بعدی ابتدا با چند پرسش آغاز می کنم :

آیا تا به حال به کارهایی که انجام می دهیم یا می بینیم که اطرافیانمان انجام می دهند ، خوب دقت کردید؟

آیا توجه کرده اید که خیلی از این کارها به مرور زمان به صورت یک سنت درآمدند ؟

و آیا تا به حال به درستی یا نادرستی این سنت ها فکر کردید ؟

آیا صرفا سنت بودن برخی از کارهای ما دلیل بر درستی آن هاست ؟ قطعا نه .

بسیاری از سنت های کشور ما ، سنت های پیش از اسلام اند که برخی از آن ها با تعالیم اسلامی سازگار بوده و هنوز هم پا برجا هستند - و انصافا سنت های بسیار نیکویی می باشند -

برخی از سنت ها ، سنت هایی هستند که از تعالیم اسلامی نشأت گرفته اند اما آنقدر به آن شاخ و برگ انحرافی داده شده که دیگر شبیه به اصل آن هم نیست !

برخی از سنت ها هم سنت هایی هستند که اصلا در تعالیم اسلام نیست اما عده ای به خاطر منافعشان آن ها را ترویج می دهند !

گاهی می بینیم پایه های برخی از این سنت ها آنقدر محکم است که هیچ کس درباره درستی یا نادرستی آن شک هم نمی کند !!!

اما چه باید کرد ؟

اولین و آخرین و تنها راه حل ، تن ندادن به اجرای این سنن غلط است ، چرا که نمی توان مانع از کار مروجین شد به هر حال آن ها انگیزه ی مادی دارند و برای رسیدن به آن هم به حرف من و شما گوش نمی دهند .

اما قبل از هر چیز باید این سنت ها را شناخت که کار سختی هم نیست ، تنها باید آن ها را با اصول اسلام تطبیق داد ، آن وقت همه چیز روشن خواهد شد .

قصدم در بخش های به چند نمونه از این سنت ها پردازم و البته مواردی که ذکر خواهد شد ممکن است به هم ربطی نداشته باشند اما تنها یک هدف را دنبال می کند آن هم ترویج سنت شکنی است . 😊

به هر حال دوست دارم در هر بخش دوستان نظراتشان را در مورد موضوع بحث مطرح شده عنوان کنند تا از دیدگاه های مختلف به این موضوع نگاه کنیم .

بیاید بت های سنن غلط را بشکنیم و از قید و بند های دروغ و ریا و نیرنگ رها شویم .



یکشنبه ۱۷ تیر ۱۳۸۶

این پست به بررسی سنت نذر اختصاص دارد. مطالبی که در این بخش می خوانید از خواننده ها و شنیده ها و نهایتاً دیدگاه های شخصی بنده است و هیچ ادعایی مبنی بر بی نقص بودن آن ندارم.

نذر نوعی درخواست از خداست نه مبادله چراکه مبادله بین دو چیز همسان اتفاق می افتد و طرفین چیزی را از دست داده و در مقابل چیزی را دریافت می کنند اما در نذر هیچکدام از طرفین چیزی از دست نمی دهند و همواره نیازمند مخلوق است و بی نیاز خالق و هر آن چه که مخلوق برای خالق نذر می کند باز هم سودش به خود او بر می گردد و خالق نیازی به آن ندارد.

از دیدگاه من اصل سنت نذر در اسلام سنتی قابل قبول و پسندیده است همانطور که قبلاً بوده اما این روزها شاخ و برگ هایی پیدا کرده که موجب شده خلاف اصول اسلامی رواج پیدا کند. نذورات را به طور کلی می توان به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد. * که به دلیل اجتناب از طولانی شدن در این پست فقط به دسته معنوی می پردازم *

نذورات معنوی می تواند نماز، روزه، ذکر، دعا، اعتکاف و نظایر آن باشد. اما گاهی آفت این نذورات آن است که شخص از انجام آن لذت معنوی نمی برد و در روح و روانش تأثیری حس نمی کند. برای مثال خواندن ادعیه عربی و توجه نکردن به معنای آن چه سودی می تواند داشته باشد؟ آیا مهم تر از بردن ثواب، آن نیست که انسان از درون به عمق ژرفای دعا پی ببرد؟ گاهی هم افراد اذکار را به تعداد زیاد نذر می کنند که یا نمی توانند از پس آن برآیند یا دست به دامن این و آن می شوند.

این نوع نذر ها هم سه اشکال دارد:

یکی اینکه نشان می دهد شخص ارزش آن ذکر را نشناخته و تصور می کند ارزش ذکر در کثرت آن است، در صورتی که کثرت ذکر موجب می شود لقله ی زبان شده و تأثیر خود را بر قلب از دست بدهد چون دیگر شخص توجه به ذکری که می گوید نمی کند فقط در فکر آن است که زودتر تمام شود.



دوم آن با دست به دامن دیگران شدن ممکن است آن ها در معذورات قرار گرفته بالا جبار قبول کنند و با نارضایتی نذر را ادا نمایند که این هم صورت خوشی نخواهد داشت .

سوم آن که وقتی تعداد ذکر زیاد باشد شخص مجبور می شود از هر زمانی برای ادای آن استفاده کند که گاه هم در انظار عمومی قرار گرفته این ذهنیت را بوجود می آورد که "عجب! چه انسان اهل دل و ایمانی" که این ذهنیت هم برای دیگران و هم برای خود شخص بوجود می آید . می توان گفت کمی موجب تظاهر می شود . اما نکته جالب آنکه سفارش شده برای مشغول بودن به ذکر ، ذکر لا اله الا الله انتخاب شود چراکه هنگام گفتن آن لب ها به هم نمی خورد و کسی متوجه گفتن آن نمی شود . این خصوصیت موجب شده این ذکر علاوه بر معنا و تأثیر عمیق از هر گونه تظاهر خالص باشد .

نکته آخر

اکثر مردم معمولاً برای رفع مشکلات معیشتی یا بدست آوردن سلامتی و نظایر آن نذر می کنند . اما آیا بزرگترین مسائل زندگی ما این هاست ؟
چرا برای رهایی از خصلت های بد یا بدست آوردن خصلت های خوب نذر نمی کنیم ؟
این ها مهم ترین مسائلی است که یک انسان در طول زندگی باید به آن ها بپردازد .
انسان ها همیشه از شر بلایا به خدا پناه می برند چه بسا خصلت های بد از شرور مهلک تر و نابود کننده ترند .
بسیاری از مشکلات زندگی نیز از همین خصلت های بد نشأت می گیرند .
حسادت ، دروغگویی ، بخل ، غیبت ، نفرت و... خصایصی هستند که روح انسان را بدون آن که خود او بداند می خورند و او را دچار اضطراب و نگرانی می کنند .
بزرگترین آزادی رهایی از بند نفس است .



دوشنبه ۱۸ تیر ۱۳۸۶

پاسخ به لطف دوستان

در پست های قبل دوستان نظراتی داده بودند که خواستم در پاسخ به این لطف ، توضیحاتی عرض کنم .
ابتدا در پاسخ به نظر خانم " فائزه " :

بینید من سنت های اصیل ایرانی و اسلامی را زیر سوال نبردم بلکه بحث من روی حواشی این سنت هاست که باعث شده از هدفشان دوربشن یا در بعضی مواقع عکس اون حرکت کنند . حواشی غلطی که جزئی از آن سنت ها شدن و به



ظاهر ما می بینیم اسماً همون سنت اجرا می شن اما حقیقت اون ها چیز دیگری است و برخی از اون ها هم به همین فرهنگ و اعتقاداتی که شما اشاره فرمودید، ضربه وارد می کنند .

در پاسخ به نظر جناب "آرمان":

اول تشکر می کنم از پیشنهادتون . دوم اینکه من فلسفه و تعریف خیلی چیزها رو نمی دونم که سنت هم یکی از اون خیلی هاست . اصولاً به تعریف و قاعده و مبنا و فرمول خودم رو محدود نمی کنم - البته شاید این توجیهی برای ندانسته های من باشه - حتی همین الان هم نمی توئم تعریف ارائه بدم ولی از شما می خوام در تعریف این کلمه جمله ای رو کامنت بگذارید و سوم اینکه در پست های بعدی به موضوعات دیگری هم پرداخته میشه .

در پاسخ به خواهر خوبم "نگار":

باید بگم که کثرت ذکر بد نیست ولی در مورد نذر کمی فرق می کنه . وقتی شما نذر می کنید خودتون رو به کاری ملزم می کنید . این ملزم شدن هست که شاید کمی دردسر ساز میشه - البته خیلی وقت ها ملزم شدن خوبه - و البته نذر خارج از توان به این مسئله دامن می زنه .

سفارش پیامبر اکرم (ص) و ائمه ما همین بوده که همیشه به ذکر مشغول باشید و یکی از ویژگی بزرگان دینی ما همین استواری بر ذکر خداست ، من این رو نفی نمی کنم . اما باید این با حضور قلب و آمادگی روح باشه وگرنه همون طور که گفتم لق لقه ی زبان میشه

و اما گفته بودید "چه اشکالی دارد در انظار عمومی باشد ، وقتی نیت چیزه دیگری باشد فکر نمی کنم ریا در کار باشد.(علنی کردن کاری خیر و رونق بخشیدن دین واحکام با نیت خالص)"

بینید دیگران که از نیت شما با خبر نیستند هر چند اعتقاد دارم اگر نیت پاک باشه بر دیگران هم تأثیر مثبت می گذاره همچنین دیگران نمیدونن شما نذر کردید و همونطور که گفتم این حس دو جانبه است هم برای دیگران و هم برای شخصی که در حال ذکره درمورد خودش یک ذهنیت ایجاد میشه -نوعی احساس غرور- به هر حال ما آدم ها خیلی ضعیف هستیم و من با باور این موضوع این حرف رو می زنم اما در کل فکر می کنم همه می دونن که ذکر خوبه ولی من اعتقاد دارم هر کس خودش باید این مسئله رو درک کنه و تا درک نکنه حتی انجامش سود چندانی براش نداره . حرف شما در مورد علنی کردن کار خیر هم صحیحه اما بیشتر در امور واجب . ضمن اینکه اشاره می کنم به اینکه سفارش شده انفاق و بخشش که کار خیر محسوب میشه به صورت پنهانی باشه همچنین در مورد انتخاب ذکر همون طور که قبلاً گفتم همه این ها برای خودشون دلایلی دارن و من هم با تکیه بر اینکه این روایات و احادیث بی دلیل نیست پیرامونشون مسائلی رو عنوان می کنم چون معتقدم پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) از هر کسی بیشتر به ضعف انسان ها واقف بودند .



سه شنبه ۱۹ تیر ۱۳۸۶

در پست های قبل به موضوع نذورات معنوی پرداخته شد .
این پست نیز به موضوع نذر اما از دسته مادی اختصاص دارد .
نذرهایی مثل کمک نقدی به اماکن مذهبی ، نذر برای تهیه غذا اغلب در مراسم های مذهبی و یا انداختن سفره نذوراتی از این دست رسوم کهن و نیک رایج بین مردم می باشد که می توان آن ها را در دسته ی نذورات مادی قرار داد .
نذر سفره :

در مورد تاریخ سفره فقط این را می دانم : در زمان پیامبر اکرم (ص) بدین صورت بوده که افرادی دعوت می شدند و از سفره ای که بسیار هم ساده بوده غذایی می خوردند و پس از اتمام آن برای صاحب سفره دعا می کردند و دعای آن ها به سبب نانی که خورده بودند مستجاب می شده است .
نکات بسیار مهمی است که باید در این زمینه رعایت شود که در ادامه شرح آن ها را خواهید خواند .

نکته اول: دعوت

- افرادی که به سفره دعوت می شوند باید از افراد فقیر و غنی باهم باشند . چرا؟
- ۱- فقیر تصور نکند سفره به عنوان صدقه است .
 - ۲- غنی تصور نکند سفره جهت نیتی خاص انداخته شده است .
- البته این موضوع اغلب با دعوت تمام فامیل به چشم نمی آید .

نکته دوم : بدعت گذاری

یک سوال بسیار مهم : کسی می داند فلسفه ی اینکه سفره حضرت ابوالفضل پر تشریفات ترین و سفره حضرت رقیه کم تشریفات ترین سفره ها می باشند چیست؟

این سنت تراشی ها چیست ؟



آنقدر این سنت غلط و زشت جا افتاده و محکم است که حتی کسی به فکرش خطور هم نمی کند بر سر سفره چیزی غیر آن چه تعیین شده بگذارد .

می خواهم بدانم مگر در این زمینه حدیث قدسی وجود دارد که این چنین وثوق حاصل شده ؟ این ها همه تشریفات و بدعت گذاری هایی است که ریشه ای در تاریخ اسلام ندارند . البته اینکه هر سفره نامی دارد به دلیل روضه ای است که بر سر آن خوانده می شود تا اینجا موردی ندارد ولی از آن جاشکال پیدا می کند که مشخصا سر این سفره ها باید غذایی خاص قرار بگیرد . و اما نکته سوم و مهم ترین نکته که کمی طولانی است به پست بعد موکول می کنم .



دوشنبه ۲۵ تیر ۱۳۸۶

اول دلیل تاخیر در بروز رسانی ادامه مطالب را باید بگم که چیزی جز مختل بودن خطوط فوق پیشرفته مخابرات نبود . دوم اینکه بابت این تاخیر از بازدیدکنندگان عذر می خوام و سوم اینکه موضوع نذر با این بخش به پایان می رسد و شاید هم به گفته ی دوستان جا برای بحث داشته باشه اما موضوع اینه که من دیگه جا ندارم .

نکته ی آخر- و مهمترین نکته- در این مبحث در مورد خانم هایی است که برای روضه خوانی و خواندن ادعیه دعوت می شوند .

اکثر این خانم ها کسانی هستند که اغلب سواد و اطلاعاتشان بسیار کم و سطح فکرشان بسیار پایین است . از جلساتشان کمترین بهره ای نمی توان برد و خیلی به ترویج تشریفات می پردازند .

بهبتر است برای روشن شدن موضوع ، بحث را با توصیف یک مصداق نمونه ادامه دهم . این مصداق استادی است که سال هاست اهالی یک محله از حضورشان فیض می برند و با تلاش مخلصانه و بی هیچ چشم داشتی با تعلیم قرآن به دانش و معرفت شاگردانشان وسعت می بخشند . شاید توصیف رفتارها و بزرگ منشی های ایشان در این پست و حتی ده پست دیگر به اتمام نرسد اما هر آن چه به عنوان یک شاگرد کوچک در رفتار ایشان دیده ام و درخور این مبحث می باشد را عنوان خواهم کرد .

کلاس های ایشان بسیار ساده و پاک از هرگونه آلاچی است . همواره شاگردانشان را از پرداختن به تشریفات منع می کنند و اعتقاد دارند که تشریفات موجب دوری از هدف های متعالی می گردد .



همیشه در مجالسی که از ایشان دعوت می شود به موقع حاضر می شوند ، به نحو احسن مجلس را اداره می کنند ، پس از خواندن قرآن یا دعا ساعتی پیرامون آن صحبت می کنند ، هیچگاه اقدام به جمع آوری کمک برای افراد نیازمند نمی کنند چراکه معتقدند همه از وجود این افراد آگاه اند و همچنین اگر کسی دلش برای آن ها سوخته باید در مجالس عروسی هم برایشان کمک جمع کند! ، اگر به سفره ای دعوت شوند چیزی از آن با خود نمی برند مگر به اندازه ی تبرک ، بابت هیچ مجلسی وجهی دریافت نکرده اند و حتی از آوردن اسم پول هم بیزارند و اعتقاد دارند هر جا پای مادیات به میان آورده شود حرمت و معنویات هم از دست می رود حتی به یاد دارم یک بار برای روز معلم برای ایشان کادویی تهیه شده بود که وقتی به کلاس آورده شد تا چند دقیقه کلاس در بهت و سکوت فرورفت و تنها جمله ای که ایشان گفتند این بود که ای کاش یک روز می توانستم پاسخ قدم های شما را بدهم .

همیشه پس از اتمام مجلس سعی می کنند سریع بروند تا به حرف های بیهوده پرداخته نشود .

خلاصه هر چه از ایشان و سواد و تفکرات حکیمانه شان بگویم ، کم گفته ام . اما فکر می کنم تا بدین جا تفاوت زمین تا بی نهایت ایشان با خانم های مدعی این پیشه مشخص شده است .

توصیه ای که خود ایشان هم بر آن تاکید دارند این است که از نذر سفره پرهیز شود چرا که رعایت همه جوانب در این نذر کمی مشکل است و خواه نا خواه افراد به ترویج تشریفات کشیده می شوند .

سه شنبه ۲۶ تیر ۱۳۸۶



در ادامه بحث های قبل که به موضوع سنت های غلط و بدعت گذاری مربوط می شد در این بخش نیز به ذکر نمونه هایی از این بدعت گذاری ها خواهم پرداخت . اما قبل از آن اشاره ای کوتاه دارم به تعریف و تشریح علامه مجلسی از بدعت که چنین گفته اند :

بدعت در عرف شرع به آن چیزی گویند که پس از رسول خدا (ص) پدیدار گشته و درباره خصوصیات آن سند صریحی نرسیده و تحت دستورات عمومی هم نباشد یا به طور خصوص یا عموم از آن نهی شده باشد .

مانند اینکه نماز بهترین عمل است و در همه وقت انجام آن مستحب است اما اگر همین نماز در زمان ، مکان و رکعات مخصوص بدون دلیل و سندی به جا آورده شود ، بدعت گردد .

(مانند دستوری که عمر برای جماعت خواندن نماز های نافله شب های ماه رمضان داد و خود گفت : خوب بدعتی است)

رسول خدا (ص) فرموده است : هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی راهش به دوزخ است .



اگر خوب دقت کنیم بدعت در بسیاری از کارهای ما دیده می شود .
به چند نمونه آن توجه کنید ! مثلا :

در عزاداری ها :

خرید تجهیزاتی - اعم از طبل و سنج و اسبابی از این دست - که هیچ توجیه و سندی برتائید آن نیست .
نوحه خوانی به ریتم آهنگ ترانه ها که آفتی برای عزاداری و نوحه خوانی محسوب می شود .
یک شکل کردن لباس ها و تقسیم بندی افراد به گروه های سنی مختلف
کمرنگ شدن بی آرایش ترین نوع عزاداری یعنی سینه زنی
حمل تصاویری از ائمه (ع)
عزاداری به شیوه هایی غیر معقول
و ...
که هر کدام از این ها ما را به شکلی از اهداف بزرگ عزاداری دور می کنند .

در ازدواج ها :

یک بدعت در مورد مهریه است که اخیرا هیچ توجهی به آن نمی شود .
اول مهریه های بالا دوم بی توجهی به پرداخت آن
که متاسفانه عموما می گویند : "مهریه را کی داده کی گرفته؟!"
در این مورد پیشنهاد می کنم کسانی که چنین اعتقادی - که مخالف با آنچه در اسلام است - دارند ، بروند به زندان ها
بینند چه کسی مهریه را باید بدهد و چه کسی مهریه را خواهد گرفت .
بدعت دوم در مورد جهیزیه است .
من نمی دانم چرا مهریه ای که اینقدر مهم است بین مردم بی اهمیت جا افتاده و جهیزیه ای که در قرآن از آن نامی برده
نشده اینقدر مهم تلقی می شود و عموما هیچ کس از تهیه ی آن فروگذار نمی کند .
جالب آن است که برای جهیزیه وام تعلق می گیرد اما برای مهریه نه .
این ها فقط نمونه های آشکار بدعت گذاری است که ذکر آن ها چندان سخت نمی باشد و شاید اگر بیشتر جستجو کنیم
موارد بسیاری در این زمینه بیابیم .

فراموش نکنیم بدعت از جهل شروع می شود و با جهل رواج می یابد .



جمعه ۲۹ تیر ۱۳۸۶

بحث آخر موضوع "جاهلیت عصر ما" به تحجر اختصاص دارد .

بی مقدمه به سراغ تعریف و شناخت منشأ تحجر می رویم .

تحجر نوعی افراطی گری در پیروی از دین است و اغلب در جوامعی دیده می شود که ارزش های واقعی دینی جای خود را به ارزش های پوچ و ساختگی افراطیون می دهند .

اما سرمنشأ این جابه جایی ارزش ها ضعف اجتهاد می باشد که عرصه را برای بدعت گذاری و رواج خرافه باز می گذارد .

و به طور کلی هر چه مردم واقعیات دور شوند به همان اندازه به ارزش های غیر واقعی و رفتارهای متحجرانه گرایش پیدا خواهند کرد.

اما اگر دقت کنیم روند گرایش به پذیرش خرافات و تحجر از زمان انقلاب اسلامی به بعد سیر نزولی داشته است آن هم به سبب گسترش اندیشه های انقلاب و نهایتاً آگاه تر شدن مردم نسبت به مسائل دینی است .

با مقایسه حال و گذشته در می یابیم که در گذشته بیشتر مردم چشم بسته به انجام فرایض دینی می پرداختند اما اکنون می بینیم مردم آگاه تر شده اند و بهتر می توانند حقیقت را کشف کنند و اینجاست که رفتار های متحجرانه نمایان تر می شود .

در گذشته اگر تحجر هم وجود داشت کسی متوجه آن نمی شد چراکه مردم درستی یا نادرستی رفتار ها را با ظاهر افراد تشخیص می دادند اما امروز مردم به سبب آگاهی شان تحجر را به خوبی درک می کنند و همین جاست که تقابل ارزش ها و ضد ارزش ها رخ می دهد .

در این جا نمی خواهم نمونه های رفتارهای متحجرانه را نام ببرم بلکه قصد دارم به واکنش ها در برابر رفتار بپردازم.

در این میان واکنش ها متفاوت است . اما واکنشی که بسیار در بین افراد (سودجو) دیده می شود آن است که به سرعت از رفتار های متحجرانه دست آویز ساخته و برای متهم کردن دین از هیچ بهانه ای فروگذار نمی کنند .



برای مثال : وقتی با چنین افرادی در مساجد مواجه می شوند به سرعت از آن دستاویزی ساخته و به بهانه آن ترک نماز و مسجد می گویند و اگر از آن ها پرسید چرا ؟ پاسخ می دهند اگر دینداری یعنی این ما نمی خواهیم دیندار باشیم .

در واقع می توان گفت این هم یکی از شیوه های شیطان است هم دشمن .

دشمن هم در این بین ساکت نمی نشیند و برای شارژ کردن چنین افرادی از هیچ حرکتی باز نمی ماند . شایعات و داستان ها و حرکت های سازماندهی شده هم به عنوان چاشنی کار مورد استفاده قرار می گیرد .
اما ...

همواره این شنونده است که باید عاقل باشد .

و هیچ کدام از این بهانه ها و داستان ها نمی توانند دلیل خوبی برای انتخاب راه نادرست باشند .

ممنون از اینکه تا به انتها مطالب نوشته شده را دنبال کردید .

در پناه یزدان پاک